

رسول و رندم الله بارش و انای ازین فرما
ازین می شنیدند که در جبرئیل گفت اینست
هم تو است تو برانند بعد از آن فرض کردیدند
بجاء وقت نماز چون زانجا بر گشته موسی السلام رسد
موسی گفت که ما عورتی گفتیم بجاء وقت نماز
گفت است تو سقا آن نادر وقت سوگند خدا که ما
میش از تو مجرب کرده ام نمی آید که تو برود و از خود
حق طلبت حق گن بر گشته و طلبت هم در وقت نماز شد
بر گشته و نزد موسی السلام رسد و قصه او گفت موسی
گفت که کفیل به رجعت فرمود بر گشته بحقیق که ما را
دیگر را بحقیق که باز موسی رسید موسی با بر اجبت
بر گشته و طلبت که در یک گشته چون نزد موسی آمد
مرجعت فرمود و از خود دعا فرمود طلبت هم تا بجا
گشته و گشته با فرود زانجا بر گشته چون گشته
منادی در داد که فرشته الامم صادر و درین بنده ها

خود

خود تحقیق ای اوروم و ان حدیث ششم علی بن ابی طالب
و ترمذی و دیگر روایت کرده اند: یکی شبی از صبح اولی فرود
وز شب فرود فرود تر نظره او با فرود و نشانی خود او بود
فرانی تا باره اطفال درش در و در بر بنایت که درش در و
خواه آمد و بهما بنده شمس که در مد و حالت بنده شمس
که با شمس بنده گرفت دل جانیش طبعه گرفت بر بر از
ره حوائج در راه ملک رکن فلان سانه چون فلان از فلان
بارش نادره نفعه بنده فاصد از کسوف نورانی که باز
از انیش فلان نیان: اما او را در براتی جو برش: جلز زو
و در با فرق این بر گشته شمس سانی: طرح فرود و در بی رفتن
حصان او را مکان: حیات او حیات طرکان: شمس رفته
نظر را که اولی هم حقیق آرام او: گفت بیست از خود
برین بنده دوران بر فرود ساخته سرس که در وقت نماز
گن جزین عرش از راه روز سالی: در هر سالی از راه
صفت ابرار بنده حقیق: صامت بنده آن از ان حقیق بنده